

عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کتابخوانی از نگاه قرآن و حدیث

سهراب مروتی*
محسن حسن وندی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۸/۱۷
تاریخ تأیید مقاله: ۹۱/۱۰/۲۵

چکیده:

کتاب و کتابخوانی از جمله مباحثی است که در دین مبین اسلام بر اهمیت و جایگاه آن تأکید بسیار شده است. در روایات اسلامی؛ کتاب به عنوان میراثی عظیم و ماندگار و عنصری شگرف و با ارزش در عرصه زندگی بشر معرفی شده است؛ میزان رشد کتاب و کتابخوانی بیانگر رشد و تعالی فرهنگی هر ملتی به حساب آمده و یکی از مؤلفه‌های تکامل و توسعه فرهنگی جوامع به‌شمار می‌آید؛ زیرا کتابخوانی باعث افزایش سطح بینش و آگاهی عمومی افراد جامعه شده و در سایه آن پیشبرد اهداف فرهنگی و اجتماعی آن جامعه موفق‌تر خواهد بود. در مقابل، عدم توجه به کتاب و کتابخوانی یکی از معضلات اجتماعی و فرهنگی دانسته می‌شود؛ که به مرور زمان می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکره فرهنگ آن جامعه باعث شود. بنابراین؛ پژوهش حاضر در پی آن است که با بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کتابخوانی را در جامعه مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، کتاب، کتابخوانی، مطالعه، عوامل مؤثر.

مقدمه:

کتاب یکی از ارزشمندترین ابزارهای فرهنگی است که همواره و در طول تاریخ تمدن بشر، عامل رشد و شکوفایی در عرصه‌های مختلف و بویژه عرصه فرهنگی بوده است. در فرهنگ و تمدن اسلامی نیز از ارزش و جایگاه خاصی برخوردار بوده و همواره به آن توجه خاصی شده است.

درآیات و روایات متعددی در باب فراگیری علم و دانش سفارش مؤکد شده است؛ چرا که یکی از عوامل مهم در رشد و تعالی افراد یک جامعه میزان بهره‌مندی آنها از علم و آگاهی است و توجه افراد به بحث کتاب و کتابخوانی و گسترش فرهنگ مطالعه در بین آنها، از راه‌های تحقق این هدف است.

امروزه یکی از راه‌های توسعه فرهنگی هر جامعه، رشد کتاب و کتابخوانی و افزایش سرانه مطالعه در بین اقشار مختلف آن جامعه می‌باشد. از این رو یکی از ضرورت‌های رشد و تعالی جوامع، ترغیب افراد به مطالعه و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین آنها به نظر می‌رسد. در آموزه‌های اسلامی به این مسئله نگاه ویژه‌ای شده و کتاب به‌عنوان عنصری ارزشمند و ارزش‌آفرین معرفی شده است.

از همان آغاز نزول قرآن کریم و ظهور اسلام مسئله خواندن و نوشتن از اهمیت خاصی برخوردار شد و در طی اعصار گوناگون همزمان با تکامل زندگی و فرهنگ بشر، فرهنگ کتاب و کتابخوانی جلوه‌ای نو و بدیع به‌خود گرفت.

این مکتب آسمانی همواره در پی پیشرفت و تعالی آدمی بوده و از طرق مختلف انسان را در این مسیر الهی راهنما بوده است. ترغیب به کسب علم و دانش و توجه به امر مطالعه و کتابخوانی از سوی اسلام نیز در همین راستا بوده که از لابلای آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (ع) مشهود است. زیرا لازمه زندگی متعالی انسان مصاحبت با کتاب و مطالعه است. با توجه به این جایگاه رفیع علم، دانش و اهمیت کتاب در دین اسلام، راهکارهایی جهت ترویج و توسعه این امر ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین آنچه که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود این است که از نگاه آیات و روایات چه عواملی در ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی مؤثر است؟

تعریف کتاب

واژه کتاب در اصل، عربی و از ریشه (ک،ت،ب) می‌باشد؛ به معنای جمع و انضمام و



پیوستن اجزاء مختلف یک چیز به هم؛ همچون چسباندن چرم به هم و پیوستن و ربط حروف به هم به وسیله نوشتن برای تشکیل جمله:

«الکتابُ ضمُّ أديم إلى أديم بالخياطه... و في المتعارفِ ضمُّ الحروفِ بعضها إلى بعض بالخطة» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۲۵) و نیز آمده است که:

«ک، ت، ب، اصلٌ صحیحٌ واحدٌ يدلُّ على جمع شئیءٍ الى شئیءٍ، من ذلك الكتابُ والكتابة... و من الباب الكتاب و هو الفرض و يقال للحکم الكتابُ للقدر الكتاب.» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۲۱).

چنانکه دیده می‌شود لغت‌شناسان معنای اصلی کتاب را جمع و انضمام دانسته‌اند. بنابراین اصل واژه «ک، ت، ب» ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است و در لغت عبارت است از «نوشته، مکتوب، مجموعه‌ای خطی یا چاپی» (معین، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۸۹۹) و از آن جهت کتابت گفته می‌شود که به واسطه آن حروف را جمع کرده و به هم می‌پیوندند. لفظ کتاب نیز از آن (کتابه) مشتق شده است؛ چرا که انواع داستان، آیات، احکام و اخبار در آن گرد آمده است:

«فأما الكتابُ فهو مصدرٌ كتبَ یكتبُ کتابهً واصلها الجمعُ وسمیت الكتابة لجمعها الحروفَ فاشتقَّ الكتابُ لذلك؛ لأنه یجمعُ أنواعاً من القصصِ والآیاتِ والأحكامِ والأخبارِ علی أوجهٍ مخصوصه» (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۴۷).

این واژه در قرآن کریم با عناوین مختلفی همچون صحف، ام‌الکتاب، کتاب‌الله، کتاب‌حفیظ، کتاب‌مبین و... بکار رفته است و هر کدام از آنها بر جنبه خاصی از کتاب الهی دلالت دارد. در اصطلاح امروزی آن آمده است که:

«کتاب یک رسانه گروهی است که در آن مطالبی ضبط شده باشد، قابل انتقال باشد و بازبایی مطالب آن از نظر زمان و مکان محدود نباشد.» (امانی، ۱۳۸۳: ۲۲).

در تعریف دیگری از کتاب چنین آمده است که:

«مجموعه‌ای از لوحه‌های چوبی یا عاجی یا مجموعه‌ای از ورقه‌های کاغذ، پوست آهو یا ماده‌ای همانند آن اعم از دستنویس یا چاپی که با هم به نخ کشیده شده یا صحافی شده باشند. به‌طور معمول ورقه‌های تاشده و صحافی شده بسیاری که حاوی مطالب است.» (سلطانی، ۱۳۷۹: ۲۶۲).

همچنین براساس مصوبه‌ای که در کنفرانس یونسکو در سال ۱۹۶۴ صورت گرفت، «اثر چاپی غیرادواری است که بدون شمارش جلد، ۴۹ صفحه و یا بیشتر داشته باشد.» (صبا، ۱۳۸۱: ۲۰).



تعریف مطالعه و کتابخوانی

در آیات و روایات به امر یادگیری و کسب علم تأکید شده است. یکی از راه‌های یادگیری نیز مطالعه و کتابخوانی است که از طریق آن یک سری اطلاعات و معلومات کسب شده و سپس در حافظه ثبت می‌شود.

«مطالعه از جمله شیوه‌های یادگیری کلامی است که در کنار شکل گفتاری - دیگر شیوه یادگیری کلامی - قرار دارد.» (شجری، ۱۳۷۷: ۳۵).

نیز «به دقت نگر بستن در چیزی برای وقوف بدان، خواندن کتاب و نوشته‌ای و فهمیدن آن و قرائت نوشته‌ای برای درک آن» (معین، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۱۹۵) است. همچنین آمده است که: «مطالعه، یادگیری از معلمی است که حضور ندارد.» (دلجو رنگیانی، ۱۳۸۱: ۳۸).

در تعریفی دیگر نیز آمده است:

«مطالعه واقعی عبارت از: فهمیدن و درک مطالب خواندنی بدون کمک دیگران است.» (همان: ۳۱).

و یا اینکه مطالعه «آگاه شدن بر امری، دقت و بررسی اوضاع و احوال مردم، خواندن کتاب و نوشته‌ها به منظور آگاهی از رموز و مسائل و امور» (شمیم، ۱۳۷۹: ۱۰۲۳) است. در یک تعریف کلی و جامع از کتابخوانی نیز آمده است که: «کتابخوانی یک فعالیت مفید برای درک کردن، اطلاع یافتن و آگاه شدن است و انسان را در درک خود و تعیین سرنوشت خویش و جامعه‌اش دلسوزانه و فعالانه شریک می‌کند. به انسان میزان می‌دهد و قوه ابتکار و خلاقیت، روحیه آزادیخواهی و بزرگ منشی را در او تقویت می‌کند. حس نועدوستی و خیرخواهی او را بر می‌انگیزد و حق و باطل، مصلحت و منفعت و ضرر و زیان و مرزها را به خوبی به نمایش می‌گذارد.» (صافی، ۱۳۸۰: ۹).

چنانچه از تعاریف فوق مشاهده می‌شود، مطالعه در بردارنده یک معنای عام یعنی هر نوع خواندن و قرائت اعم از کتاب و یا هر نوشته‌ای دیگر از قبیل روزنامه، مجله و... می‌باشد و کتابخوانی، چنانکه از اسمش پیداست منحصر در خواندن کتاب بوده و فقط بر نوشته‌ای با عنوان کتاب اطلاق می‌گردد و از آنجایی که کتابخوانی قسمی از اقسام مطالعه است و به اصطلاح منطقی بین این دو نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است، هرآنچه که در تعریف مطالعه می‌آید شامل کتابخوانی نیز شده و آن را دربر می‌گیرد. بنابراین آنچه که در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد کتابخوانی در معنای فوق‌الذکر و عوامل مؤثر در توسعه و ترویج آن است.



اهمیت و ضرورت کتابخوانی

توسعه فرهنگی در هر جامعه‌ای تا حد زیادی وابسته به میزان رشد کتاب و گسترش فرهنگ کتابخوانی و مطالعه است که این مؤلفه از مهمترین عوامل در پیشرفت و اعتلای فرهنگی جوامع به‌شمار می‌آید؛ زیرا کتاب از عناصر مهم فرهنگی و ابزاری مناسب جهت تغییر فرهنگ است که می‌تواند عناصر جدید فرهنگی را به اذهان افراد جامعه منتقل کرده و ضمن صیانت و حفاظت از فرهنگ متعالی، آن را بدون تغییر و تحریفی در اختیار آیندگان قرار دهد.

پرواضح است که کتاب و فرهنگ کتابخوانی نه تنها یکی از مؤلفه‌ها و ارکان اصلی فرهنگ بشمار می‌آید، بلکه خود نیز باعث تکامل و توسعه فرهنگی است؛ زیرا کتابخوانی باعث افزایش سطح بینش و آگاهی عمومی افراد جامعه شده و در سایه آن پیشبرد اهداف فرهنگی و اجتماعی آن جامعه موفق‌تر خواهد بود.

میزان توجه به کتاب و مطالعه بیانگر رشد و تعالی فرهنگی هر ملتی به حساب می‌آید و در مقابل، عدم توجه به کتاب و کتابخوانی و کسب علم و دانش یکی از معضلات اجتماعی و فرهنگی شمرده می‌شود که به مرور زمان می‌تواند آسیب‌های مهلکی را در پیکره فرهنگ آن کشور باعث شود.

از آنجایی که دنیای امروز با بحران فرهنگی مواجه است، روی آوردن به کتاب و کتابخوانی و گرایش به مطالعه برای مواجهه و مقابله با این معضل می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند.

با آگاهی از نقش و جایگاه کتاب و توجه به آثار مطالعه و کتابخوانی، تحولات فرهنگی و علمی شگرفی حاصل شده که تحول و توسعه در دیگر زمینه‌ها را نیز به دنبال خواهد داشت و به زیباترین گوهره هستی یعنی شناخت و معرفت از هستی و از خدای هستی و تکامل روحی و معنوی انسان منجر می‌شود.

عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کتابخوانی

به منظور ترویج فرهنگ کتابخوانی، در وهله اول بایستی راهکارها و عوامل مؤثر بر آن را به درستی شناخت. در ترویج و توسعه کتابخوانی و بالا بردن میزان مطالعه در بین افراد جامعه مجموعه‌ای از عوامل دخیل هستند که هرکدام از آنها می‌تواند در رغبت و گرایش فرد به مطالعه و کتابخوان کردن افراد جامعه مؤثر واقع شود.

از جمله این عوامل که در حیطه تعلیم و تربیت اسلامی نیز مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند، عبارت از بصیرت و آگاهی، محیط خانواده، محیط آموزشی، حکومت، تشویق و برانگیختن انگیزه و موارد دیگری از این قبیل است؛ که آگاهی و شناخت دقیق از هر یک از این عوامل می‌تواند راه‌های روشنی در زمینه ترویج و توسعه فرهنگ کتابخوانی پیش روی قرار دهد.

۱. آگاهی بخشی به جامعه

از راه‌های ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی، آگاهی بخشی لازم به افراد جامعه در باب اهمیت و ارزش کتاب و علم و دانایی و تأثیر آن در زندگی روزمره آدمی است. آگاه کردن افراد جامعه از آثار و ثمرات مطالعه در زندگی فردی و اجتماعی از مقدمات و عوامل مؤثر در ترویج کتابخوانی است که باعث می‌شود نوع نگاه افراد به مقوله کتاب و علم تغییر یافته و مطالعه مانند دیگر نیازهای زندگی روزمره در سبد نیازهای اساسی و ضروری آنها قرار گیرد. این بصیرت‌آفرینی و آگاهی‌بخشی به دو طریق می‌تواند انجام پذیرد. از یک‌سو باید آگاهی و بصیرت نسبت به آثار جهل و نادانی و دوری از کتاب و مطالعه را به آنها انتقال داد و از سوی دیگر ارزش و جایگاه علم و دانش را تبیین کرد.

یکی از مهمترین عواملی که در جنبش علمی مسلمانان تأثیرگذار بوده، آشنایی آنها با عظمت علم و دانش و ارزش آن بوده است و در این راستا قرآن کریم و تعالیم پیامبر(ص) نقش اصلی را عهده‌دار بوده است. ارج نهادن قرآن کریم به علم، کتابت، قرائت و سفارشات پیامبر(ص) مبنی بر آموختن علوم و دانش‌ها باعث شد که مسلمانان صدر اسلام به مطالعه و تحقیق و فراگیری علوم روی آورند.

قرآن کریم بر اهمیت علم و آگاهی تأکید داشته و مقام عالمان را برتر از دیگران قرار می‌دهد:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹)

«آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟»

و همچنین مقام علمایی از مؤمنین را رفیع می‌گرداند:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱)

«خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات

بلند گرداند.»

رسول اکرم(ص) نیز در موارد متعددی بر اهمیت علم و دانش تأکید داشته و ارزش آن



را برای مردم تبیین کرده است. ایشان در باب ارزش‌گذاری علم و آگاهی بخشی به مردم در مورد آن چنین فرموده‌اند:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَوْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ: طلب علم بر هر مسلمان واجب است. آگاه باشید که خدا جویندگان علم و دانش را دوست می‌دارد» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۸۲).

امام سجاده (ع) هم در باب ارزش و اهمیت علم و کسب دانش می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ» (همان: ۹۸). «اگر مردم می‌دانستند که طلب علم چقدر ارزش دارد، مسلماً آن را طلب می‌کردند و لو با ریختن خونهایشان و فرو رفتن در دریاهاى طوفانی».

و یا موارد دیگری از این قبیل که هر کدام بر جایگاه و ارزش علم و دانش تأکید داشته و سبب شده که در بین مسلمانان شور و شوق زیادی برای کسب علم به وجود آید. از این رو به نظر می‌رسد که یکی از عوامل تأثیرگذار در ایجاد انگیزه و گرایش افراد جامعه به مطالعه و کسب علم، همین آگاهی بخشی به آنها در باب اهمیت و جایگاه علم و دانش در زندگی و تأثیر آن در بهبود سبک زندگی شخصی و اجتماعی باشد.

۲. خانواده

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد عادت به مطالعه، خانواده است که می‌توان از آن به‌عنوان نقطه آغازین ایجاد علاقه به کتاب و مطالعه نام برد؛ چرا که هویت و شخصیت فرد و عادات او در مرحله اول در محیط خانه و خانواده شکل می‌گیرد.

محیط خانواده می‌تواند در ایجاد عادت به مطالعه و کتابخوانی و به تبع آن گسترش دانش و بینش، نقش مهمی ایجاد کند؛ فضای تعلیمی و تربیتی خانه و خانواده اثر مستقیم و غیرقابل انکاری در گرایش فرد به کتاب و مطالعه دارد؛ چرا که خانواده نخستین آموزشگاه و مرکزی است که کودک در آن آموزش می‌بیند و به همین دلیل عادت به کتابخوانی نیز می‌تواند از همانجا در کودک شکل بگیرد.

شرایط خانوادگی افراد تأثیری دوسویه بر انس آنها به کتاب و کتابخوانی دارد. والدینی که اهل کتاب و مطالعه هستند به تبع فرزندان اهل مطالعه خواهند داشت و در مقابل، والدینی که انس با کتاب و کتابخوانی در برنامه روزانه زندگی آنها وجود ندارد، در داشتن فرزندان اهل علم و دانش ناموفق بوده و همچنین ایجاد عادت به مطالعه در آنها با مشکل مواجه خواهد بود.

تجربیات روزمره نشان می‌دهد افرادی که در خانواده‌های اهل کتاب و دانش رشد می‌کنند، میزان رغبت و گرایش آنها به مطالعه نسبت به افرادی که در خانواده‌های بی‌توجه به امر مطالعه زندگی می‌کنند، به مراتب بیشتر است. دلیل این امر این است که عادت به کتابخوانی و مطالعه یک امر اکتسابی است که فرد در ابتدا آن را از والدین خود و یا دیگر اعضای خانواده می‌آموزد.

یک محیط خانوادگی که در آن پدر و مادر اهل علم و ادب بوده و با دانش و اندیشه در ارتباط باشند، فرزند آن خانواده نیز زودتر و راحت‌تر با کتاب و مطالعه آشنا شده و خواهد توانست از طریق کتاب و مطالعه، اندیشه خود را نسبت به اطراف خود و جهان هستی رشد و تعالی بخشد. در مقابل، بی‌سوادی پدر و مادر و فاصله و بیگانگی آنها با کتاب می‌تواند از مهمترین موانع در سر راه علاقه‌مندی فرزند به مطالعه بشمار آید؛ چرا که کودک بر دین و آیین و آداب و رسوم خانواده رشد و نمو کرده و از خوی و خصلت والدین و دیگر اعضای خانواده تأثیر می‌پذیرد:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ، فَإِنَّمَا أَبْوَءُ يَهُودًا أَوْ نَصْرَانَةً» (معتزلی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۱۴۰).
«هر نوزادی بر فطرت الهی بدنیا می‌آید. پس پدر و مادر او را به دین یهود یا نصرانی گرایش می‌دهند.»

این روایت به نقش محیط خانواده در شکل‌گیری شخصیت و اخلاق فرد اشاره دارد و نشان می‌دهد که بسیاری از عادات و زمینه‌های اخلاقی فرد تحت تأثیر جو خانوادگی قوام می‌یابد. در تفکر اسلامی نقش خانواده در تعلیم و تربیت افراد از برجستگی خاصی برخوردار است؛ به این معنا که هم والدین و هم دیگر افراد خانواده می‌توانند در جهت‌دهی به نوع رفتارهای تک تک اعضاء تأثیرگذار باشند.

در روایت آمده است که روزی امام حسن مجتبی (ع) فرزندان خود و فرزندان برادران خود را دعوت کرد و به آنها فرمود:

«إِنَّكُمْ صِغَارٌ قَوْمٌ وَيُوشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخِرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَ لْيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۵۲).

«شما صغار و خردسالان گروهی هستید که نزدیک است کبار و بزرگسالان گروه دیگر باشید، پس علم و دانش را بیاموزید، و هر که از شما استطاعت و توانایی داشته آن را حفظ و نگهداری کند باید آن را بنویسد و در خانه‌اش بنهد (تا خود و دیگران از آن استفاده نموده و بهره‌مند گردند).»

حدیث مذکور تأثیرگذار بودن محیط و نقش والدین و افراد خانواده را در برانگیختن دیگر اعضای خانواده به کسب علم و دانش روشن می‌سازد. امام حسن مجتبی (ع) برای فرزندان و برادرزادگان خود بیان می‌دارد که درس خواندن امروز، راه رسیدن به بزرگی در آینده می‌باشد و با ایجاد انگیزه و همچنین دلگرمی و نشاط آنها را به تحصیل علم علاقه‌مند می‌سازد.

۳. نقش معلم و مربی

از دیگر عوامل کارآمد در ایجاد علاقه به کتاب و کتابخوانی، محیط آموزشی است. اگر فرد در محیط آموزشی با ارزش کتاب آشنا شده و لذت مطالعه و کتابخوانی را درک کند، این کار باعث می‌شود که مطالعه به عنوان عادت و علاقه‌ای در او به وجود آمده و همواره آن را جزء برنامه‌های زندگی روزمره خود قرار دهد.

در این زمینه نقش و تأثیر مسئولین محیط آموزشی و به‌خصوص معلم و مربی بسیار روشن و مؤثر به نظر می‌رسد. برخورد و رفتار سازنده معلم می‌تواند باعث ایجاد شوق و علاقه در متعلمین به امر مطالعه و کسب علم و دانش شود و در مقابل، رفتار سوء از یک معلم می‌تواند متعلمین را به کتابخوانی و تحصیل بی‌علاقه کرده و از ادامه کار باز دارد.

مسئولین محیط آموزشی در راستای ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی بایستی در درجه اول خود اهل کتاب و مطالعه باشند؛ چرا که این عمل در متعلمین تأثیر گذاشته، آنها را به‌عنوان الگوی رفتاری خود بر می‌گزینند. در غیر این صورت اگر خود مربیان در عمل اهل مطالعه نباشند، در هدایت متعلمین به این سمت موفق نخواهند بود.

قرآن کریم بر نقش مؤثر تربیت عملی در هدایت و تربیت انسان‌ها تأکید کرده و آن را سفارش می‌فرماید:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/ ۴۴)

«آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید»

حضرت علی (ع) نیز در زمینه تربیت عملی و لزوم ساختن رهبران و معلمین، خود پیش از ساختن پیروان و متعلمان می‌فرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسَيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (نهج البلاغه/ حکمت ۷۳).

«کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم

دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است، از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.»
«امام (ع) به آداب رهبران علم و فضایل اخلاقی اشاره فرموده است: ۱. بر پیشوا واجب است که نخست خویشتن را تعلیم دهد، یعنی: نسبت به آدابی که داناست خویشتن را تمرین دهد تا رفتار و گفتارش موافق علم و آگاهی‌اش باشد، برای این که مردم برای پیروی از آنچه از رفتار و حالات پیشوایان ببینند آماده‌ترند تا گفتار تنها، به‌خصوص وقتی که در رفتارها خلاف آن را مشاهده کنند، چه این خود باعث بدگمانی در گفته‌های مخالف رفتار و گستاخی بر مخالفت سخنانی که از آنان زبانزد شده، می‌گردد، هر چند که به ظاهر راست و درست باشند...» (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۴۶۶).

بنابراین واضح است که متعلمین؛ اغلب معلم خود را الگو قرار داده و رفتار و کردار او را تقلید و تکرار می‌کنند.

۴. تشویق و تقدیر از اهل علم و کتابخوانان

تشویق اهل علم و ادب نقش مثبتی در ترویج فرهنگ کتابخوانی خواهد داشت. به این صورت که هم باعث تداوم و پیشرفت مطالعه در میان اهل کتاب و مطالعه شده و هم باعث رغبت و گرایش دیگران به این عرصه خواهد شد.

چنانچه تشویق و تقدیر از کتابخوانان و طالبان علم به درستی و به موقع انجام پذیرد می‌تواند در ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی تأثیرات عمیقی از خود بر جای گذارد. عمل تشویق باعث می‌شود که انگیزه مطالعه در دیگر اقشار جامعه نیز به‌وجود آمده و میل به کتاب و کتابخوانی در آنها تقویت شده و افزایش یابد. اما در مقابل، عدم تشویق قشر کتابخوان جامعه ممکن است موجب کاهش و سلب انگیزه در آنان شده و دلسردی آنان نسبت به ادامه کار را به دنبال آورد.

در دین مبین اسلام ترغیب به کارهای نیک و تشویق عاملان بدان، جهت ترویج و استمرار آن کارها مورد توجه قرار گرفته است. یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم، ایجاد رغبت و انگیزه در افراد و وعده پاداش است:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵)

«و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جوی‌ها روان است. هر گاه میوه‌ای از آن روزی



ایشان شود، می‌گویند: این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمتها] برای آنها آورده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند.»

گاهی از طریق وعده پاداش کثیر فرد را به عمل صالح دعوت می‌کند:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره/۲۴۵)

«کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید.»

گاهی پاداش کار نیک را ده برابر بیان می‌فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام/۱۶۰)

«هرکس کار نیکي بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.»

و مواردی دیگر از این قبیل که هرکدام با وعده پاداش انسان‌ها را به عمل صالح فرا می‌خواند.

حضرت علی(ع) نیز بر نقش مثبت تشویق در ایجاد شوق و رغبت به انجام کارها و بذل

تلاش و استمرار بیشتر تأکید داشته و چنین می‌فرماید:

« وَ وَاَصْلُ فِي حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَ تَعْدِيدِ مَا أَبْلَى ذَوُو الْبَلَاءِ مِنْهُمْ فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ لِحُسْنِ

أَفْعَالِهِمْ تَهَيُّ الشُّجَاعَ وَ تُحَرِّضُ النَّاَكِلِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (نهج البلاغه/نامه ۵۳)

«و همواره از آنان ستایش کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند برشمار زیرا یادآوری

کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را بر می‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وا می‌دارد این شاء الله.»

در حدیثی از امام محمد باقر(ع) آمده است که حضرت امام سجاد(ع) افراد دانشمند و

جویای علم را مورد تشویق قرار داده و هنگامی که با جوانان طالب علم برخورد می‌کرده، جهت

ترغیب و تشویق آنها به ادامه کار علمی و استمرار در دانش‌پژوهی چنین می‌فرموده است:

«كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ أَدْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَ

قال: مرحباً بكم أنتم ودائع العلم و يوشك أن أنتم صغار قوم أن تكونوا كبار آخرين» (فلسفی،

۱۳۶۸، ج ۳: ۳)

«امام زین العابدین(ع) هر وقت به جوانانی که در طلب دانش بودند برخورد می‌کرد، آنان

را به نزد خویش فرا می‌خواند و می‌فرمود: آفرین به شما؛ ای محصلین، شما گنجینه‌های علم

و دانشید. امروز نوجوانان این جامعه هستید و به زودی بزرگان جامعه دیگر خواهید بود.»

از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که اگر از کتابخوانان و افراد اهل مطالعه قدردانی و

تشویق به عمل آید، قطعاً توجه به کتاب و کتابخوانی در جامعه و در بین تمام اقشار رواج

خواهد یافت؛ زیرا اگر فضلا و دانشمندان برتر و گرامی داشته شوند، جایگاه و ارزش آنها بر

همگان روشن شده و دیگران نیز جهت نیل بدان درجه رویه آنها را در پیش خواهند گرفت.

۵. توسعه کتابخانه‌ها

کتابخانه‌ها مرکز علم و دانش به شمار می‌آیند که می‌توانند طالبان علم و دانش را به خود جلب کرده و به‌عنوان محلی برای آموزش و یادگیری در خدمت آنها قرار گیرد. تاریخ نشان می‌دهد که هر چقدر تعداد کتابخانه‌ها در جامعه‌ای گسترش یافته، به همان میزان نیز تمایل و رغبت افراد آن جامعه به کتاب و کتابخوانی افزایش یافته و به‌عنوان جزئی از ضروریات زندگی آنها قرار گرفته است. در مقابل، عدم وجود کتابخانه‌ها و دسترسی نداشتن به کتاب و دیگر منابع مطالعاتی می‌تواند به‌عنوان یکی از مهمترین موانع در سد راه توسعه فرهنگ کتابخوانی مورد توجه قرار گیرد.

«محققین اجتماعی علل عمده عدم مطالعه مردم را توزیع نامتعادل و کمبود کتاب، عدم گسترش کتابخانه‌ها و محرومیت باسوادان و نوسوادان از دسترسی به کتاب می‌دانند. عدم وجود کتاب‌های تازه و مورد علاقه افراد باسواد و عدم وجود کتابخانه‌های مجهز و پرمحتوای قابل دسترس به افراد مختلف جامعه، به تدریج انسان باسواد را از مطالعه کتاب دور نگه می‌دارد.» (امانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴).

در فرهنگ اسلامی از کتاب و کتابخانه به‌عنوان بوستان علما و دانشمندان نام برده شده است: «الْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۳۰۲) «کتاب‌ها باغ‌های دانشمندان است.»

بنابراین در طول تاریخ تمدن اسلامی به‌واسطه ارزش و احترامی که برای کتاب وجود داشته، کتابخانه‌های متعددی به‌وجود آمده‌اند که دانشمندان مشهوری در آنها به کار مطالعه و تحقیق و ترجمه و تألیف مشغول بوده و آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشته‌اند. وجود این کتابخانه‌ها که به‌عنوان یک مرکز آموزشی شناخته می‌شدند، باعث توجه بیشتر افراد جامعه به علم و دانش شده و آنها را به سمت کتاب و کتابخوانی سوق می‌داد. استفاده از این کتابخانه‌ها تنها مختص علما و دانشمندان نبود؛ بلکه کتاب‌های موجود در این کتابخانه‌ها در اختیار عموم طالبان علم قرار می‌گرفت. «خلفا و وزیران مسلمان مشوق آموزش در کلیه شهرهای اسلامی بودند و کتابخانه‌ها را در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دادند. حتی در کتابخانه‌های خصوصی سلاطین به‌ویژه سامانیان در بخارا و حمدانیان در سوریه و آل بویه در شیراز به روی همگان باز بود.» (نخستین، ۱۳۶۷: ۹۱).

۶. توجه حکومت به علم و علما

در ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی دولت و حکومت اسلامی وظیفه‌ای سنگین و در

عین حال مؤثر بر عهده دارد. از آنجایی که دین اسلام دین علم و دانش و دین کتاب است، حکومت اسلامی بایستی توجه به علم و دانش و تعلیم و تربیت را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد. نوع حکومت و شیوه صحیح مملکت‌داری حاکمان می‌تواند زمینه رشد و آگاهی و آموزش مردمان و اقبال آنها را به کسب علم و دانش فراهم ساخته و آنها را از جاهلیت به علم و نور هدایت کند.

حضرت علی(ع) یکی از وظایف حاکم و حکومت اسلامی را تعلیم و تربیت افراد جامعه و آموزش آنها معرفی می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ. فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا...» (نهج البلاغه/خطبه ۳۴)

«ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید...».

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق به دست می‌آید که مطالعه و کتابخوانی یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه فرهنگی بوده و میزان توجه به کتاب و کتابخوانی؛ بیانگر رشد و تعالی فرهنگی جوامع به‌شمار می‌آید. از این رو در دین اسلام؛ کتاب و کتابخوانی از ارزش والایی برخوردار بوده و همواره بر آن تأکید شده و این مسئله به‌عنوان بخشی از فرهنگ اسلامی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

به‌منظور ترویج و توسعه کتابخوانی و بالا بردن میزان مطالعه در بین افراد جامعه توجه به کارکرد و اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا هر یک از این عوامل می‌تواند در رغبت و گرایش فرد به مطالعه و کتابخوان کردن افراد جامعه مؤثر واقع شده و یا اینکه نقطه مقابل آن یعنی نتیجه‌ای سوء را به‌دنبال داشته باشد.

از جمله این عوامل که در حیطه تعلیم و تربیت اسلامی نیز مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند، عبارت از بصیرت و آگاهی، محیط خانواده، محیط آموزشی، حکومت، تشویق و برانگیختن انگیزه و موارد دیگری از این قبیل است؛ که آگاهی و شناخت دقیق از هر یک از این عوامل می‌تواند راه‌های روشنی در زمینه ترویج و توسعه فرهنگ کتابخوانی پیش روی قرار دهد.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- امانی، غفور. (۱۳۸۳). «آشنایی با کتاب و کتابخانه و اصول کتابداری»، اردبیل، نشر مؤلف.
- امانی، غفور. (۱۳۸۳). «مجموعه مقالات کتابداری»، اردبیل، نشر مؤلف.
- بحرانی، کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم. (۱۳۷۵). «شرح نهج البلاغه»، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم- علی اصغر نوایی یحیی زاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- دلجو رنگیانی، شریعت. (۱۳۸۱). «شیوه‌های یادگیری و مطالعه»، تهران: مؤسسه فرهنگی تکوک زرین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۷). «المفردات فی غریب القرآن»، تحقیق: محمد خلیل عیتانی، تهران: نشر آرایه.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق). «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت- لبنان، دارالکتب الاسلامیه.
- سلطانی، پوری. (۱۳۷۹). «دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی»، تهران: فرهنگ معاصر.
- شجری، فتح الله. (۱۳۷۷). «یادگیری خلاق»، تهران: انجمن قلم ایران.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). «فرهنگ شمیم»، تهران: مدبر.
- صافی، قاسم. (۱۳۸۰). «مقدمات روش‌های مطالعه و پژوهش»، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- صبا، ایرج. (۱۳۸۱). «شیوه بهره‌گیری از کتابخانه‌ها و منابع اطلاعاتی»، تهران: سمت.
- فلسفی، محمد تقی. (۱۳۶۸). «الحدیث»: روایات تربیتی از اهل بیت (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۹). «اصول کافی»، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسوه.
- محمدی وایقانی، کاظم. (۱۳۸۱). «سروش آسمانی» (سیری در مفاهیم قرآنی)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). «بحارالانوار الجامعه لدرر اخبارالائمه الأطهار»، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معتزلی، ابن ابی الحدید. (۱۴۰۴ق). «شرح نهج البلاغه»، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- معین، محمد. (۱۳۸۸). «فرهنگ فارسی»، تهران: امیرکبیر.
- نخستین، مهدی. (۱۳۶۷). «تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب»، ترجمه عبدالله ظهیری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث.

